

فصلنامه علمی «پژوهش نامه نوین فقهی حقوقی زنان و خانواده»،

دوره ۴، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۲، صص ۷۶-۶۱

مقاله علمی - پژوهشی

تطبیق جایگاه حقوقی زن در تفسیر تسنیم و کنوانسیون بین المللی رفع تبعیض علیه زنان و سند ۲۰۳۰

فاطمه احمدی بیغش^۱

چکیده

بدون شک از نظر تکوینی، تفاوت های حکیمانه ای میان زن و مرد وجود دارد. اسلام با نگرشی فراگیر و با در نظر گرفتن همه حقوق و ویژگی های زن، منزلت و کرامت والایی را برای او بیان کرده است. اما در عین حال بین حقوق و تکالیف زن و مرد نوعی تعادل-که متناسب با شأن و فطرت هریک از آن دو است- در اسلام وجود دارد. در دهه های اخیر موضوع زن بعنوان یک مسئله جهانی در اعلامیه های بین المللی همچون "کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان" و "سند ۲۰۳۰" مورد توجه قرار گرفته، که ماهیت اصلی آنها، ایجاد نوعی تشابه کامل میان زن و مرد، براساس جنسیت است و در این مورد الزاماتی را فراروی دولتها و ملتها قرار می دهد. این پژوهش با روش توصیف و تحلیل متن و به شیوه کتابخانه ای و میدانی، درصدد بررسی تطبیقی مواد حاکم بر این معاهدات و اسناد بین المللی، با آیات قرآن در مورد حقوق زن، با استناد به تفسیر تسنیم اثر آیت الله جوادی آملی است. تفسیر تسنیم با استناد به آیات قرآن، حقوقی چون: حق تکوینی، تشریحی، حق مادری، همسری، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، خانوادگی، حقوقی، معنوی و ارزشی و... را برای زن به عنوان حقوق مسلم به رسمیت شناخته است، درحالیکه این معاهدات بین المللی بیشتر بر یک بُعد از وجود زن، آن هم بُعد ظاهری و جنسیتی او تأکید دارد و قوانین آن با نیازهای طبیعی زن در تضاد آشکار است این نگرش سبب از بین رفتن ارزش مادری و حقوق همسری و ظلم مضاعف به زنان، وحتى مردان است. اندیشه تساوی زن و مرد که در اسناد بین المللی به رسمیت شناخته شده در آینده دور یا نزدیک زمینه اضمحلال خانواده و جامعه خواهد شد.

واژگان کلیدی

حقوق، زن، تفسیر تسنیم، اسناد بین المللی، تبعیض، سند ۲۰۳۰.

^۱. کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآنی (سطح ۳ حوزه علمیه خواهران) yazahra0313@yahoo.com

مقدمه

قرآن، دربارهٔ آفرینش انسان، شخصیت وجودی، کردار و رفتار وی بحث کرده و هرگز زن و مرد را از یکدیگر جدا ندانسته و آنان را از یک منشأ، و از یک حقیقت می‌داند. برای هرکدام در عین تفاوت های فیزیکی و روحی، شخصیت مستقل و جایگاه ارزشمند در نظر گرفته است. قرآن جهت بازیابی جایگاه حقوقی زنان در جامعه بشری؛ در دو حوزه اصلی، سخن گفته است. اول: در نحوه تکوین وجودی زن اقدام به اصلاح انحرافات دیدگاه بشر کرد. دوم: برای تحصیل حقوق و تکالیف زن در بسیاری از عرصه ها و اعطای شخصیت حقوقی به او، دستوراتی را بیان نموده است. همچنین با بررسی مسایل زنان و داوری درست درباره حقوق، تکالیف و مسئولیت های فردی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آنان، خانواده را به عنوان یک نهاد اساسی در جامعه پذیرفته و بر تکمیل کنندگی نقش زن و مرد در اجتماع، نیازها و حقوق متقابل آنها، را مورد تاکید قرار داده است. از طرف دیگر از دیدگاه اسناد بین المللی، خانواده به عنوان عامل دست و پاگیر برای زنان و عدم تساوی او با مردان شناخته و بر تساوی جنسیتی و شغلی و اجتماعی زنان با مردان تاکید دارند. به گونه ای که زن هویت تکوینی زنانه و مادرانه خود را از دست داده و به مردی تبدیل شده که حقوقی برای زن بودنش قائل نمی شوند.

اسلام با ایجاد زمینه های متعددی زنان را مالک اموالی دانسته و اموری نظیر ارث، مهریه، نفقه، اجرت شیردهی، اجرت خدمت در خانه و... برای زنان قرار داده است. همچنین اسلام از اشتغال زن جلوگیری نمیکند و زنان با حفظ شروطی که در دین مقرر شده، می توانند شخصاً برای خود درآمدزایی کنند، بدون آنکه از نظر قواعد دینی ملزم به اداره خانواده و انفاق بر آنها باشند. درحالی که در معاهدات بین المللی به اسم تساوی حقوق زن و مرد، شخصیت و تفاوت های تکوینی، جسمانی، و... زن لحاظ نشده و فقط یک بعد از وجود زن آن هم بعد جنسیتی و شغلی او در نظر گرفته شده است. این پژوهش درصدد بررسی تطبیقی حقوق متعدد زنان در حوزه های تکوین و تشریح و اسناد جهانی حقوق زنان، خصوصاً معاهده رفع تبعیض علیه زنان و سند ۲۰۳۰، با آیات قرآن و بر اساس رویکرد تفسیرتسنیم است. براین اساس مواد معاهده و سند ۲۰۳۰ را در ابتدا مورد مطالعه قرار داده و در ادامه به بیان دیدگاههای قرآن از منظر تفسیرتسنیم و به بررسی تطبیقی آنها پرداخته می شود.

جایگاه حقوقی زن در اسناد بین المللی

سازمان های بین المللی، در دهه های اخیر توجه فراوان به مسأله زنان داشته اند و جنبش های متعددی به نام زنان و برای زنان، در گوشه و کنار جهان فعال شدند که اندیشمندان و نهادهای بین المللی را نیز در جهت حمایت و بازسازی موقعیت زنان، در زندگی اجتماعی برانگیخته اند. محصول این عطف توجه، اسناد و تعهدات بین المللی در باب زنان است که الزاماتی را فراروی دولت ها و ملتها قرار می دهد. از مهمترین این اسناد بین المللی "کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان" (مصوب ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹-۲۷ آذرماه ۱۳۵۸- در مجمع عمومی سازمان ملل متحد) و "سند ۲۰۳۰" (مصوب ۲۷ سپتامبر ۲۰۱۵- شهریور ۱۳۹۴- در مجمع عمومی سازمان ملل متحد) است که ارزیابی و بازاندیشی آنها اهمیت بنیادی و راهبردی داشته و رسالتی را فراروی افراد و نهادها قرار می دهد. از نظر این کنوانسیون ها، عبارت: «تبعیض علیه زنان» به معنی قائل شدن هرگونه تمایز، استثناء یا محدودیت براساس جنسیت است که با حقوق بشر زنان و آزادیهای اساسی آنها، و بر پایه حقوق مساوی با مردان، در تمام زمینه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و... اثرگذار بوده است. در ادامه، به برخی از دیدگاههای این معاهدات و اسناد، در باب نگرش به زن و جایگاه حقوقی او، اشاره می گردد.

۱- حقوق تکوینی زن

مبانی حاکم بر این معاهدات بین المللی از جمله بندهای ۴ و ۵ سند آموزش ۲۰۳۰، و بندهای مختلف مواد ۱، ۳، ۴، ۷، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۵، ۱۷ کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، به بعد جنسیتی و شغلی زنان توجه شده و قائل به تساوی و برابری جنسیتی هستند، به گونه ای که به شخصیت انسانی او توجهی نشده است. از جمله در ماده ۵ کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان آمده است: تغییر الگوهای رفتاری اجتماعی و فرهنگی مردان و زنان به منظور دستیابی به برانداختن تعصبات، عادات و دیگر روشهای عملی که بر طرز تفکر پست‌نگری یا برترینی یک جنس نسبت به جنس دیگر یا نقش کلیشه‌ای زنان و مردان مبتنی است. بر اساس مفاد آموزشی سازمان ملل، از جمله هدف ۴ در بندهای ۱-۴، ۲-۴، ۳-۴ و هدف ۴-۵ سند آموزش ۲۰۳۰، باید مفاهیمی چون برابری زنان و مردان در آموزش های جنسیتی، در کتب درسی رسمی و غیر

۱. از دیگر اسناد بین المللی، که در آنها از حقوق زنان سخن رفته است، عبارتند از: اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ (برابریا (۱۹/۹/۱۳۲۷ شمسی)، اعلامیه "حذف خشونت علیه زنان" قطعنامه ۴۸/۴۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد مصوبه ۲۳ فوریه ۱۹۹۴ و...

رسمی مدارس و دانشگاه‌ها، و...، به کودکان و نوجوانان آموزش داده می‌شوند و مطابق بند ۴-۷ سند آموز ۲۰۳۰، کشورهای مجری موظف به ارائه گزارشی از اطلاعات سالانه از میزان خشونت و تجاوز در مدارس، میزان آموزش مهارت‌هایی پیرامون ایدز و...، درمورد عملکرد خود بر اساس این شاخص‌ها به سازمان ملل خواهند بود.

۲- حقوق زن در خانواده

به عنوان نمونه طبق تمامی مفاد ماده ۱۶ کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، از دول عضو خواسته شده به منظور دفاع از حقوق زنان و رفع تبعیض علیه آنان، در امور مربوط به ازدواج و روابط خانوادگی، کلیه اقدامات مقتضی را، بر اساس تساوی زن و مرد به عمل آورند. در این اسناد زنان از مقام مادری و همسری، به یک شریک جنسی صرف تنزل یافته و ازدواج و خانواده کارکردهای عمیق خود را از دست داده و طلاق از یک پدیده مذموم تبدیل به یک راهکار انسانی شده است. بالابردن سن ازدواج و محکوم کردن ازدواج قانونی زیر ۱۸ سال که این کنوانسیونها مطرح می‌کند، آن هم در شرایطی که تشویق به برقراری ارتباط جنسی در زیر این سن امری رایج در کشورهای غربی است، امری عادی و غیر معقول است. در این اسناد تناقض گویی آشکار نیز وجود دارد؛ زیرا از یک سو تلاش می‌شود راهکارهای ترویج روابط جنسی آزاد نوجوانان و جوانان را ایمن و آزاد سازند و از سوی دیگر از ممنوعیت ازدواج و عدم توانایی افراد زیر ۱۸ سال برای برقراری روابط خانوادگی سخن به میان می‌آورند! همچنین وقتی این اسناد و کنوانسیون‌ها، از نقش والدین در مراقبت از کودک نام می‌برند (مثلا بند پنجم سند ۲۰۳۰ و بند یک کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان)، مقصود والدین دارای فرزند خارج از چارچوب ازدواج، مانند والدین همجنسی که کودکی را به فرزندی تقبل کرده‌اند و یا والدین صاحب فرزند از روابط نامشروع، و... نیز هست که باید از جایگاه و حقوق مساوی با والدینی که بر اثر ازدواج دارای فرزند شده‌اند، برخوردار باشند. در موضوع طلاق و حق طلاق، در ماده ۱۶ کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان آمده است: هر یک از طرفین در صورت تمایل بتوانند به محاکم مراجعه و در شرایط کاملا برابر، درخواست طلاق نمایند. همچنین در بند ۱۶ این کنوانسیون بیان می‌شود که به منظور ایجاد تساوی و برابری جنسیتی، باید حقوق و مسئولیت‌های یکسانی در دوران ازدواج و هنگام انحلال آن برای هر یک از زن و مرد وجود داشته باشد.

۳- حقوق اجتماعی و اقتصادی زن

آنچه این اسناد به دنبال آن هستند آنکه اشتغال زنان، مهمترین و بلکه تنهاترین راه حل فقر زنان و کم کردن وابستگی آنان به مردان و خانواده به حساب می آید. متأسفانه روابط و مناسبات اجتماعی فعلی آنچنان در عرف جوامع اثرگذار بوده اند که نه تنها زنان، بلکه مردان نیز اشتغال را برای زنان یک وظیفه به حساب می آورند. البته در دنیای غرب و تفکرات زن مدارانه این مسئله با قربانی کردن عواطف و کم کردن سطح روابط فرزندان با مادران حل شده و نام آن را تقسیم مسئولیت مادری گذاشته اند. (حسینی، ۱۳۸۷، ص ۵۶۹-۵۸۵)

علی رغم تاکید اسناد و کنوانسیون های بین المللی بر تساوی حقوق زن و مرد و فعالیت های بیرون از خانواده زنان و عدم توجه به اصول و ضوابط اصلی این حضور ضابطه مند، باعث شده زنان در بیماری های قلبی، جرایم، دخانیات، الکلیسم هم فاصله خود را با مردان کم کرده و در این سطح هم به مساوات برسند. (گرهاردنسکی، ۱۳۶۹، ص ۴۷۹-۴۹۰؛ پاملا، ۱۳۸۱، ص ۲۱۰-۲۱۷) باتوجه به آنکه خاستگاه این اسناد، فرهنگی است، حجاب، عفاف و پوشش، را تبعیضی بر اساس جنسیت دانسته اند که مانع از جلوه فروشی زنان می شود، و آزادی فردی و اجتماعی آنان را محدود و از ارضای آزاد تمایلات انسانی آنها جلوگیری می کند. مثلاً تعارض ماده یک کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان و بندهای مختلف هدف ۴ و ۵ سند ۲۰۳۰، باحکم اسلامی پوشش، کاملاً واضح است.

جایگاه حقوقی زن در تفسیر تسنیم

آفرینش انسان، شخصیت وجودی، کردار و رفتار او در دین اسلام و آیات قرآن بحث شده است و هرگز زن و مرد را از یکدیگر جدا ندانسته و آنان را از یک منشأ، از یک جنس و از یک وجود تلقی کرده و برای هرکدام در عین تفاوت های فیزیکی و روحی، شخصیت و حقوق مستقل و جایگاه ارزشمند در نظر گرفته است. به منظور آشکارشدن دیدگاه اسلام و قرآن، در مورد حقوق زن، این موضوع از منظر تفسیر تسنیم، نوشته آیت الله عبدالله جوادی آملی، از مفسرین معاصر، بررسی می گردد.

۱- حقوق تکوینی زن

قرآن تصورات غلطی که در اذهان مردم نسبت به زنان و خلقت آنها وجود داشت، مورد نکوهش قرار داده و آنها را اصلاح نمود است. (فاروقی، ۱۴۰۴، ص ۳۳۴) به عنوان نمونه می فرماید: «...الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَ بَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَ نِسَاءً» (نساء، ۱) و آیه «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ...» (اعراف، ۱۸۹) مفسرین شیعه و اهل

سنت، در خصوص دو آیه فوق بیان کرده اند خداوند شما را از یک اصل واحد یعنی حضرت آدم و حوا آفریده؛ پس دیگر فخر و تکبر نکرده و اظهار تواضع نسبت به یکدیگر داشته باشند. (الرازی، ۲۰۰۱، ج ۳، ص ۴۷۷-الزمخشری، ۱۹۹۸، ج ۱، ص ۴۶۱) پس هیچ تفاوتی میان زن و مرد در آفرینش وجود ندارد و اعتقاد نداشتن به تکامل در زن از حیث خلقت، منجر به انحطاط موقعیت زن از جهت اجتماعی خواهد شد. (طباطبایی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۱۳۵) قرآن اقدام به اعطای شخصیت کامل و مطلق وجودی و تکوینی به زنان نموده (فیض، ۱۳۷۱، ص ۱؛ صفایی، ۱۳۸۶، ص ۶) و بیان می دارد زن و مرد بگونه ای کنار یکدیگر آفریده شده اند که جنبه تکاملی نسبت به هم دارند و با این نگرش به مقابله با تفکری که مرد را در مرحله آفرینش و خلقت بالاتر از زن می داند، رفته است.

در تفسیر تسنیم، ذیل آیه ۱ سوره نساء، به حقیقت مادی و خلقت برابر زن و مرد اشاره شده و در مورد شخصیت تکوینی زن آمده است: «همه انسانها یک حقیقت دارند، هیچ فضیلتی زن بر مرد، یا مرد بر زن ندارد. مگر اینکه خودش از راه تقوا، فضیلتی را کسب کند. انسانها با هم فرقی ندارند، فرمود «مَنْ نَفْسٍ وَاحِدَةً» پس هم راه استکبار و فخر بسته، هم درهای عاطفه باز است.» (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۷، ص ۱۲۷) آیت الله جوادی آملی همچنین می فرماید: «تمام انسانهای فعلی یک حقیقت خاص دارند که همسران آنان نیز از همان حقیقت نوعی خاص و واحد آفریده شده اند.» (همان، ۱۳۹۳، ج ۳۱، ص ۲۰۹) ایشان دارا بودن از شخصیت تکوینی را، مشترک میان زن و مرد دانسته اند.

۲- حقوق زن در زندگی مشترک

از دیدگاه قرآن زن، حقوق مختلفی دارد. از جمله:

۱-۲ حقوق زن بر شوهر

از منظر قرآن، همان طور که شوهران بر عهده زنان حقوقی دارند و بر زنان لازم است آن را انجام بدهند، متقابلاً زنان نیز بر عهده شوهران حقوقی دارند که بر مردان لازم است آن را اتیان بکنند. قرآن در این مورد می فرماید: «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره، ۲۲۸) در توضیح این آیه در تفسیر تسنیم آمده است: هر حقی که خدای سبحان برای مرد علیه زن قرار داد، مشابه آن برای زن علیه مرد نیز وجود دارد. حقوق زن و مرد حقوق متقابل است. این چنین نیست که حقی بر زن باشد که بر مرد نباشد، منظور از این مماثله اصل حق است، تماثل در حقوق است نه تساوی در حقوق.

برای برقراری نظم اصول خانواده، تعبیر قرآن کریم برای زن وشوهر "مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً" است و دو اصل را عامل تشکیل خانواده قرار داد. یکی مودت عاقلانه نسبت به هم و دیگری گذشت عاطفی از اشتباهات یکدیگر. به مردان که مسئول خانواده‌اند دستور می‌دهد که با زنان به نیکی رفتار کنید. این همان توصیه به معروف است: "عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ". (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱۱، ص ۲۸۷) از جمله حقوق زن بر عهده شوهر، با توجه به آیات قرآن کریم عبارتند از:

الف) حق رفتار شایسته: «بِأَيْهَا الَّذِينَ آمَنُوا... وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء، ۱۹) تفسیر تسنیم در ذیل این آیه بیان می‌دارد: همانگونه که با مرد باید به معروف رفتار کرد، با زن هم باید به معروف رفتار کرد. کارها را ذات اقدس الهی تقسیم کرده. هیچ فرقی بین زنان و مردان نیست. در حق حیات و حق حیات اجتماعی زن تفاوتی با مرد ندارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۹، ص ۳۴۱) ب) حق مسکن: «أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وَجْدِكُمْ» (طلاق، ۶) در تفسیر این آیه آمده است: زنان مطلقه را در همان خانه‌هایی که به اندازه وسع خود تهیه کرده اید مسکن دهید. حق ندارید ضرری متوجه آنها کنید، تا سکونت در آنجا برایشان دشوار شود، و نباید از نظر مسکن، پوشاک و نفقه آنها را در مضیقه قرار دهید. (طباطبایی، ۱۳۹۲، ج ۱۹، ص ۵۲۲)

ج) حق نفقه: تفسیر تسنیم این حق را در ذیل آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» (نساء، ۳۴) اینگونه بیان می‌دارد: زمام خانواده را قرآن کریم به دست مرد می‌دهد. تفاوت زن و مرد در مسائل اجرایی و در تقسیم کار است که بدن نقش دارد. در کارهای اجرایی مسئولیت با مرد است چون مال دست اوست تأمین نفقه و روزی با اوست. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۹، ص ۲۹۱)

د) حق مهر: «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً» (نساء، ۴) کلمه "نِحْلَةً"، از "نَحْل" به معنای زنبور عسل، که به مردم عسل می‌بخشد و توقعی هم ندارد، به هدیه هم «نِحْلَةً» گفته می‌شود. بعضی مفسرین "نِحْلَةً" را به معنای "دین" گرفته‌اند. یعنی مهریه، دین و بدهی قطعی مرد است. (اطیب، ۱۳۴۱، ج ۵، ص ۱۵۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۲۶۳؛ الجزیری، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۵۱۶-۵۱۷) اما تفسیر تسنیم مهریه را نشانه صداقت طرفین دانسته و اشاره می‌کند: آنچه را که به عنوان مهریه برای زنان مقرر کردید؛ آن را تصاحب نکنید به اینها بدهید. چون مهریه مایه تصدیق نکاح، و مایه صداقت طرفین است. شما شوهرها، صداق‌های همسرها را به آنها بپردازید و این مایه صداقت زندگی است. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۷، ص ۳۶۷)

۲-۲ حقوق زن بر عهده فرزند

همانطور که پدر و مادر نسبت به فرزندان وظایفی دارند، متقابلاً پدر و مادر نیز بر عهده فرزندان حقوق دارند؛ ضمن آنکه مادر دارای تقدم حق نسبت به پدر، بر فرزندانست. باتوجه به آیات قرآن برخی از این حقوق عبارتند از:

الف) حق احسان: خداوند در آیات متعددی، کنار دعوت به یکتاپرستی و نهی از پرستش غیر، نیکی به پدر و مادر را بیان داشته و به آن فرمان می‌دهد. مانند آیات: «وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (نساء، ۳۶) پدر و مادر چون سبب نهایی برای وجود و تربیت انسانند، درابتدای مراتب احسان ذکر شده اند. (طباطبایی، ۱۳۹۲، ج ۵، ص ۱۷۱) اگر احسان با "باء" استعمال شد، آن مراقبت و تداوم احسان را می‌فهماند. اگر با "الی" استعمال شد، تداوم را نمی‌فهماند. (فیومی، ۱۴۰۵، ص ۱۳۶- ابن منظور، ۱۳۸۵، ج ۱۳، ص ۱۷- جوهری، ۱۳۶۸، ج ۵، ص ۲۰۹۹) علی (ع) می‌فرماید: «فرزند بر والد حق دارد، و والد بر فرزند حقی. حق والد بر ولد این است که در همه شئون مطیع او باشد، مگر به مرز معصیت خدا برسد... (نهج البلاغه، ص ۳۹۹) در تفسیر تسنیم در ذیل این آیه آمده است: «اهمیت احسان نسبت به پدر و مادر به قدری است که در کنار عبادت حق یاد شده. نسبت به آنها مؤدب بودن، متواضع بودن، احترامشان را حفظ کردن و بطور کلی احسان محض نسبت به آنان داشتن، از مصادیق است. احسان به پدر و مادر، (چه غنی چه فقیر، چه مسلمان چه کافر باشند) لازم است. خداوند می‌فرماید: ما به انسان گفتیم به پدر و مادر احسان کن! حالا اگر پدر و مادر اصرار داشتند که این جوان مسلمان، دست از عقیداش بردارد و به همان خوی جاهلیت برگردد، اینجا دیگر اطاعت پدر و مادر لازم نیست. اما با این همه فرمود: شما در دنیا با اینها خوش رفتاری کنید. احسان، یک مفهوم وسیع و دامنه‌دار است به معنای خدمت بی سابقه. و هرکار نیک و شایسته‌ای که برای کسی انجام گیرد و منفعت مادی و یا معنوی داشته باشد احسان شمرده می‌شود. پس انفاق و رسیدگی به امور مادی و معیشتی پدر و مادر احسان به آنها است. خداوند می‌فرماید: «يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ...» (بقره، ۲۱۵) قبل از هر چیز، به اصول خانوادگی تان بپردازید به پدر و مادر که «فَلِلْوَالِدَيْنِ» این هم صله رحم است هم بر به والدین است. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۸، ص ۲۸۰)

ب) حق احترام: قرآن احترام والدین را خصوصاً در دوران پیری و شکستگی آنان واجب و لازم دانسته و از کلام درشت و برخورد ناشایسته با آنان نهی نموده است: «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا

تَنَهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا» (اسراء، ۲۳) در تفسیر تسنیم آمده است: خداوند در بیان وظایف متقابل والدین نسبت به فرزند، به پدر و مادر دستور مهربانی نداده، چون امر طبیعی در نهاد آنهاست. اما نه تنها فرزند را از بی مهری نهی نکرده بلکه مهربانی را امر هم کرده، مستقل هم نهی کرده که: "فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٌّ وَلَا تَنهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا" یا "وَأخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ" (اسراء، ۲۴)، در این آیه فرزندان را هم نهی کرده از بی مهری، و هم امر کرده به خفیف جناح. ذات اقدس الهی به فرزندان دستور می‌دهد که نه تنها نسبت به پدر و مادر بدر رفتار نباشید؛ بلکه احسان کنید نه تنها عقوqشان حرام است، بلکه احسان و مصاحبتشان واجب است. تا اساس خانواده متلاشی نشود، پس منفعت مستقیمش به تحکیم خانواده بر می‌گردد. همچنین ایشان درباره مقام والای "مادر" نیز می‌فرمایند: قرآن کریم وقتی احترام به پدر و مادر را بازگو می‌کند، برای گرامی داشت مقام زن، نام مادر را جداگانه و بالاستقلال طرح می‌کند و می‌فرماید: «اگر یکی از آن دو یا هر دو، در کنار تو به سالخوردگی رسیدند به آنها حتی "اوف" مگو و به آنها پرخاش مکن و با آنها سخنی شایسته بگوی. انسان احترامی که به پدر و مادر می‌گذارد بر محور تربیت است، برای این است که اینها مریند. این احترام به پدر و مادر در نیایش‌ها، طلب مغفرت، دعا، نماز شب و...، این سیره انبیا بود. پدر و مادر اگر هم مشرک باشند احترام به آنها لازم است. از برجسته ترین سخنان حضرت عیسی (علیه السلام) این است که من نسبت به مادرم برم، نیک رفتارم.» (وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا) (مریم، ۳۲) (سایت اسراء، ذیل تفسیر سوره اسراء) در ادامه تفسیر این آیه آیت الله جوادی آملی می‌فرمایند: خداوند به برخورد شایسته و گفتار کریمانه با والدین امر کرده و دستور داده و می‌فرماید: مبادا به فکر خانه سالمندان باشید "عندک" اگر یکی از اینها نزد تو بود و پیر شد، نه اینکه در خانه سالمندان گذاشتی و پیر شد، وقتی که متأسفانه جامعه از غرب الگو پذیرفت این بچه‌ها را تا هفت سال به مهد کودک سپرد خودش هم که پیر شد همین بچه او را به خانه سالمندان می‌برد. آنها مجرای فیض خالقیت هستند. خانواده در اسلام اصل است نه اینکه یک مسئله فردی و اجتماعی است. (سایت اسراء، ذیل تفسیر سوره مریم)

ج) حق دعا و طلب آمرزش: یکی دیگر از حقوق والدین دعا است؛ چنانکه مستحب است در حق ایشان این دعای قرآنی خوانده شود: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ، وَأَرْحَمَهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا، وَأَجْزِهِمَا بِالْإِحْسَانِ إِحْسَانًا، وَبِالسَّيِّئَاتِ غُفْرَانًا» (دعای ابو حمزه ثمالی) آیت الله جوادی آملی در تفسیر آیه ۲۴ سوره اسراء، و با اشاره به فراز: «وَقُلْ رَبِّ ارْحَمَهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا»

دعای ابوحزمه ثمالی، می فرمایند: «لفظ "رَبَّيَانِي" به معنای به دنیا آوردند مرا آمده است نه لفظ "ولدانی" بمعنای رشد دادند مرا. پدر و مادر باید به تربیت فرزند توجه داشته باشند. هر قدر فرزندان را خوب تربیت کنند همان اندازه نسبت به فرزندان حق دارند.» ایشان همچنین در تفسیر آیه ۴۱ سوره ابراهیم: «رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ» می فرمایند: دعا در حق پدر و مادر اختصاص به زمان حیات آنان ندارد و پس از درگذشت آنها نیز، می توان برایشان طلب مغفرت و آمرزش کرد. (سایت اسراء، ذیل تفسیر سوره اسراء و ابراهیم)

۳- حقوق اجتماعی و سیاسی زن

قرآن کریم بیعت با حکومت و شرکت در انتخابات را که بارز ترین حق سیاسی است، برای زنان پذیرفته است. عرصه های مختلف تاریخ اسلام نمایانگر این عمل سیاسی از طرف زنان است. خداوند در سوره ممتحنه آیه ۱۲ می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ...» از امام صادق (علیه السلام) روایت شده: «چون پیغمبر مکه را فتح کرد با مردان بیعت کردد و آن گاه زنها برای بیعت آمدند و خدا این آیه را فرستاد که: ای پیغمبر چون زنها آمدند با تو بیعت کنند با آنها بیعت کن...» (کلینی، ۱۳۶۱، ج ۵، ص ۵۲۷)

آیه الله جوادی آملی در بیان حق اجتماعی و سیاسی زنان می فرماید: کارهای اجرایی اجتماعی سیاسی، یک وظیفه است نه کمال، بلکه علم و معرفت و خلوص کمال است. اینکه گفته شده زن کارهای اجرایی را بر عهده نگیرد، چون با رقت و عاطفه او هماهنگ نیست و اینها هم که کمال به شمار نمی آیند؛ بلکه وظیفه است. این چنین نیست که در دین کمالی باشد که زن ها نتوانند به آن کمال برسند. کارهای اجرایی که وظیفه است نه کمال! پس در آنچه کمال است، و زن و مرد در آن یکسانند؛ نه مذکر بودن شرط است و مؤنث بودن مانع. اما در آنچه مذکر بودن شرط یا مؤنث بودن مانع است، کارهای اجرایی اجتماعی و سیاسی است. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۸، ص ۳۶۸)

۴- حق استقلال اقتصادی زن

از لحاظ اقتصادی نیز طبق آموزه های قرآنی، زنان همانند مردان از استقلال اقتصادی داشته و مالک دست رنج خود بودند و در امور اقتصادی همچون سهم ارث بردن از دیگران، شریک هستند. خداوند می فرماید: «لَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا لِلرِّجَالِ وَ سَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ ... وَ لِكُلِّ جَعَلْنَا مَوَالِيَّ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَ الَّذِينَ عَقَدْتُمْ أَيْمَانَكُمْ فَآتُوهُمْ نَصِيبَهُمْ...» (نساء، ۳۲-۳۳) وقتی آیات ارث و

جهاد نازل شد، بعضی از زنها نزد رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) رفته و عرض داشتند که مردها فضیلتی در ارث و جهاد بر ما پیدا کرده اند. ای کاش ما هم مرد بودیم و در جبهه‌ها شرکت می‌کردیم و از فضایل جهاد بهره می‌بردیم و همچنین از نظر میراث. در قبال این درخواست، آیه مزبور نازل شد: «لَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ...» (طوسی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۱۸۴ - طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۷۳ - مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۶۲)

اسلام در هیچ شرایطی زن را موظف به تامین نیازهای خود و خانواده قرار نداده است؛ بلکه مرد مسئول تامین نفقه و نیازهای زندگی مشترک است. آیت الله جوادی آملی نیز در مورد حقوق اقتصادی زنان، در ذیل این آیه می‌فرمایند: زن همانند مرد، هرچه که کسب کند برای اوست. زنان همانند مردان، در مسائل اقتصادی و مالی، مستقلند همانگونه که در مسائل مادی و علمی مستقل‌اند، همانگونه که در تزکیه مستقل‌اند. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۸، ص ۴۱۰) ایشان حق اقتصادی و مالکیت برای و اداره اموال و ممتلكات زنان را، همانند مردان معتبر می‌دانند. همچنین ایشان در زمینه تقسیم ارث، بیان می‌دارند: مسئله محرومیت زن از ارث یک امر پذیرفته شده در جاهلیت بود، لذا اسلام هم در بخش استقلال اقتصادی و هم در بخش ارث بردن زن آیه مستقل دارد. آیه نمی‌فرماید مسلمان یا مومن هر چه کسب کرد برای اوست، بلکه اسم زن را مستقلاً و اسم مرد را جداگانه بیان می‌دارد تا به صورت روشن و قاطع، آن سنت جاهلی را ابطال کند. اسلام براساس کرامت انسانی ارث را تقسیم می‌کند؛ اما در جاهلیت، براساس کرامت و ارزشهای انسانی تکیه نمی‌شد؛ بلکه براساس ارزشهای نظامی، اقتصادی و... تکیه می‌شد. زن‌ها آن مالی که دارند مال خودشان است. مهریه و نفقه را از مردها می‌گیرند و همه مصارفشان نیز به عهده مرد است. پس مردها اختیار دو سوم را دارند، اما از نظر مصرف، هر دو آنها در آن دو سوم سهیم‌اند و زن‌ها آن یک سومی که فراهم کردند ذخیره خودشان است؛ زیرا نه تنها مرد، هزینه خود را باید تامین کند؛ بلکه هزینه زن را هم باید تامین کند. (همان، ج ۱۸، ص ۴۴۱)

همچنین با توجه به آیه «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَإِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ...» (نساء، ۱۱) در مورد ارث بردن زن و مرد، روایتی از امام صادق (علیه السلام) است که ابن ابی العوجاء می‌گوید؛ از حضرت سوال کردم: چرا زن بینوا و ناتوان یک سهم ارث برده و مرد دو سهم؟ حضرت فرمودند: بر زن جهاد،

نفقه، دیه، عاقله، واجب نیست؛ بلکه این امور به عهده مردان است. از این رو مردان دو سهم و زنان یک سهم دارند. (حرعاملی، ۱۳۶۹، ج ۱۷، ص ۴۳۶)

خداوند برای پیشرفت زن در جامعه اقدام به توسعه اسباب تملک برای زنان (مانند ارث، ایقاع و...) می نماید. در این آیه سهم زن، اصل و مفروغ عنه است نه سهم مرد. آنگاه در مورد مردان بیان می دارد که مرد یا مثل او می برد یا دو برابر او، و... بطور کلی سهام گوناگون مرد را در ارزیابی با سهم زن می سنجدند که این برای طرد همان رسوبات جاهلی است، چون در جاهلیت، زن را از ارث محروم می کردند. قرآن فرمود اگر خواستید مال را تقسیم کنید به پسر دو برابر سهم دختر بدهید. یعنی دختر، ارث می برد سهمش مشخص و دو برابر مرد است و این سهم مرد است که نامشخص است و باید براساس سهم زن مشخص گردد. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۷، ص ۴۵۶؛ مطهری، ۱۳۷۴، ص ۲۸۳؛ سیدقطب، ۱۴۱۵، ج ۴ ص ۱۱۲-۱۱۳).

نتایج تحقیق

در دهه های اخیر شاهد از سوی سازمان های بین المللی توجه فراوانی به مسأله زنان شده و جنبش های متعددی به نام زنان و برای زنان، فعالیت می کنند. محصول این عطف توجه، اسناد بین المللی چون "کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، و سند "۲۰۳۰" است. تاکید بر تشابه جنسیتی و تن دادن به قوانین غیر واقع بینانه این سازمان های بین المللی در مورد حقوق زنان سبب شده است که زن هویت تکوینی زنانه و مادرانه خود را از دست داده و به مردی تبدیل گردیده که هیچ حقوقی برای زن بودنش قائل نمی شوند. در مقابل، قرآن، در مقام ترسیم و تعیین تکالیف و حقوق زن و مرد، برای زن، همانند مرد در دو ساحت ارتباطی خانوادگی و اجتماعی، حقوقی مساوی را تعیین کرده؛ اما این سخن به معنای تشابه در حقوق نیست. آیت الله جوادی آملی در تفسیر تسنیم با استناد به آیات قرآن بیان می دارد که جنس زن برای انجام دادن وظایف متفاوتی با مرد آفریده شده و احساسات متفاوتی دارد. قانون آفرینش الهی زن و مرد را مکمل هم با وظایف مخصوص به هر جنس آفریده است. با توجه به اینکه حفظ بنیان خانواده و مدیریت آن، پرورش نسلها و تربیت فرزندان، بر عهده زن گذاشته، به همین دلیل سهم بیشتری از عواطف و احساسات به او داده شده است. با توجه به آنچه گذشت، یافته های پژوهشی این تحقیق را به صورت زیر می توان بیان کرد:

۱- قرآن بر اساس تعالیم الهی و اسلامی خود، نگاهی جامع به زنان دارد. از این رو، برای زن، متناسب با شخصیت تکوینی او حقوق و مسئولیت هایی در نظر گرفته است؛ درحالیکه معاهدات بین المللی، تنها بریک بعد از وجود زن، آن هم بعد جنسیتی و شغلی او تاکید دارند.

۲- قرآن مسئولیت مهم زنان را تربیت نسل بشریت می داند، درحالیکه معاهدات بین المللی با شعار برابری جنسیتی، تعهدات و نقش های مادری و همسری را تحت تاثیر قرار داده اند و جایگاه او را تا یک شریک جنسی صرف تنزل داده و طلاق را از یک پدیده مذموم، به عنوان یک راهکار انسانی بیان کرده اند.

۳- قرآن زن را همانند مرد، در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی، به عنوان یک عامل فعال و سازنده دانسته و به تناسب شرایط، حقوقی را برای او تعیین کرده که متأسفانه در اسناد بین المللی در دفاع از حقوق زنان، تناسب یاد شده نیامده؛ بلکه براساس تساوی مطلق میان زن و مرد، حقوق معین شده که بی احترامی و ظلم مضاعف به زن و حتی به مرد است، و موجب پیشبرد خانواده و جامعه به سمت اضمحلال خواهد بود.

۴- قرآن طرح حجاب و پوشش برای زنان را، به منظور حضور اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... آنان از سوی اسلام و در چارچوبی ضابطه مند، پذیرفته است. اما حجاب، عفاف و پوشش جایگاهی در اسناد بین المللی نداشته و مخالف برابری جنسیتی است که آزادی فردی و اجتماعی زنان را محدود و از ارضای آزادیات انسانی و جلوه فروشی زنان جلوگیری می کند.

۵- قرآن حقوق اقتصادی زن را پذیرفته و برای او مالکیت مطلق نسبت به اموالش قائل است و اشتغال را برای زنان یک عمل اختیاری می داند و قوانین اقتصادی چون ارث، مهریه، نفقه و...، در راستای حفظ کرامت و حرمت زن است؛ در حالیکه اسناد بین المللی زنان را در سطح یک شریک اقتصادی و جنسی مردان تنزل داده اند.

پیشنهاد می شود جنبه های دیگر وظایف و حقوق زنان از منظر قرآن، مورد بررسی قرار گیرد تا جامعیت آیات الهی نسبت به شناخت حقوق، ویژگی های انسان آشکار و تبیین گردد.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: ناصر، مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، مدرسه علی بن ابیطالب (ع)، تهران
۲. نهج البلاغه: ترجمه محمد دشتی، ۱۳۷۹، موسسه فرهنگی تبلیغاتی امیرالمومنین (ع)، قم
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۳۸۵، لسان العرب، دارالطباعه و النشر، بیروت
۴. تورات، عهد قدیم، ۱۳۸۱، نشر انجمن کلیمیان، تهران
۵. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۳، تفسیر تسنیم، اسراء، قم
۶. جوهری، اسمعیل بن حماد، ۱۳۶۸، الصحاح، امیری، تهران
۷. الجزیری، عبدالرحمن، ۱۴۱۹، الفقه علی المذاهب الاربعه، دارالثقلین، بیروت
۸. جمعی از نویسندگان، بی تا، موسوعه الفقه الاسلامی طبقا لمذهب اهل البيت (ع)، موسسه دائره المعارف الفقه الاسلامی، قم
۹. حرعاملی، محمد بن حسن، ۱۳۶۹، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بنیاد پژوهش های اسلامی، مشهد
۱۰. حسینی، سید هادی، ۱۳۸۷، کتاب زن، علی احمد راسخ، امیرکبیر، تهران

۱۱. الرازی؛ فخر الدین، ۲۰۰۱، التفسیر الکبیر، دار إحياء التراث العربی، بیروت
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۷۴، المفردات فی الفاظ القرآن، مرتضوی، تهران
۱۳. الزمخشری، جار الله محمود بن عمر، ۱۹۹۸، الکشاف، نشر أدب الحوزة، بی جا
۱۴. سید قطب، ابراهیم، ۱۴۱۵، فی ظلال القرآن، دارالجبیل، بیروت
۱۵. صفایی، حسین، ۱۳۸۶، حقوق مدنی؛ أشخاص و محجورین، سمت، تهران
۱۶. الطباطبائی، محمد حسین، ۱۳۹۲، المیزان فی تفسیر القرآن، جامعه المدرسین، قم
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۱۵، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، الاعلمی، بیروت
۱۸. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹، التبیان فی تفسیر القرآن، نجف، حیدریه، نجف
۱۹. . طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۲۲، کتاب الخلاف، موسسه النشر الاسلامی، قم
۲۰. طیب، عبدالحسین، ۱۴۱۳، اطبیب البیان فی تفسیر القرآن، موسسه جهانی سبطين، قم
۲۱. فاروقی، لمیعه، ۱۴۰۴، المرأة فی المجتمع القرآنی، الإعلام الإسلامی، تهران
۲۲. فیض، علیرضا، ۱۳۷۱، مبادئ فقه و اصول، انتشارات دانشگاه، تهران
۲۳. فیومی، محمد بن علی، ۱۴۰۵، مصباح المنیر، دار الهجرة، قم
۲۴. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۷، دوره مقدماتی علم مدنی، میزان، تهران
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۱، اصول کافی، فرخی، تهران

۲۶. لانسکی، گرهارد، و جین لانسکی، ۱۳۶۹، سیر جوامع بشری، ترجمه: ناصر موفقیان،

انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران

۲۷. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۴، نظام حقوق زن در اسلام، صدرا، تهران

۲۸. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴، دارالکتب الاسلامیه، تهران

۲۹. مغنیه، محمدجواد، ۱۳۶۶، فقه تطبیقی، دانشمند، بی جا

سایت

۱. بنیاد بین المللی علوم و حیانی اسراء

۲. www.esra.ir

۳. پایگاه اطلاع رسانی حوزه

۴. www.hawzah.net

۵. سایت اینترنتی مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد

i. www.unic-ir.org